

## در محضر استاد

محمد علی حسینی

و به درستی تزکیه نفوس، شرط اساسی برای کسب معارف اسلامی است. این امر، زمینه را آماده می کند تا پیشقراولان علم و صاحبان فضیلت، بار امانت ثقلین را تحمّل کنند.

معظم له در درسهایش، هنگامی که نام اهل بیت (ع) را بر زبان جاری می کرد، تأثیر فراوانی در دلها می گذاشت، چرا که از صدای شکسته و اندوهگین او، ندای ولایت، و از لحن او، حماسه اولیا و صالحان شنیده می شد.

### احترام به کتاب شرایع الاسلام

علتی که استاد بزرگوار، متن کتاب شرایع الاسلام محقق حلی را در مباحث فقهی خود مطرح می کردند، این بود که: یکی از فقیهان بزرگ نجف، در عالم رؤیا، به حضور حضرت بقیه الله الاعظم - ارواحنا فداه - شرفیاب می شود. پس از عرض ادب و جلوس در محضر حضرت، سؤال می کند که کدام کتاب را برای مطرح کردن مباحث فقهی، مرجع قرار دهم؟ حضرت می فرماید: کتاب شرایع الاسلام محقق حلی، چرا که مسایل آن، به استثنای دو یا سه مورد، (تردید از راوی است) همه با اصل احکام اسلام مطابقت دارد.

### روش تدریس مرحله مقدمات استنباط

۱. تدریس مکاسب: استاد، متن مکاسب را جمله جمله می خواندند، و به فارسی بسیار ملیح، مختصر و مفید توضیح

امام موسی کاظم (ع) فرمود: «چون مؤمن بمیرد، فرشتگان و صومعه های زمینی، که خدا را در آن عبادت می کرده، و درهای آسمانی، که اعمالش از آنها بالا می رفته، بر او گریه کنند؛ و در اسلام رخنه ای می افتد که چیزی آن را نمی بندد، زیرا مؤمنین دانشمند، دژهای اسلام اند؛ مانند دژهای اطراف شهر»<sup>۱</sup>

فرستی دست داد تا در باره روش مباحث مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی - قدس سره - مطالبی ارائه کنم. شاید بتوانم اندکی از حق استادی ایشان را ادا کنم، چرا که ایشان چون پدری مهربان به ما علم آموخت.

ایشان از بزرگ فقیهانی است که در اسلام ذوب شده، و از حریم اسلام و اهداف متعالی آن دفاع کرده است. در یک کلام، او با جان و همه توان خود، از رسالت ثقلین دفاع کرد، و تا رسیدن به مقصود، هیچ گاه به مخالفان مذهب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) اجازه نداد که به ارزشهای والای آن آسیبی وارد کنند. به درستی که امانتداری وفادار بود که امانت را به فقیهان و ادامه دهندگان راه ائمه معصوم (ع) سپرد، تا آنها نیز امانت را به دست صاحب اصلی آن، یعنی صاحب العصر (عج) برسانند.

ایشان در مبانی علمی و روشهای فکری و مباحث حوزوی و تألیفات پر ارزش خود، بر تهذیب نفوس بسیار تأکید داشت.

۱. اصول الکافی، ج ۱، ص ۳۸، ح ۳.

۶. هنگامی که ادله لفظی واحکام واقعی ومتون صریح را نمی‌یافت، به اصول لفظی یا عقلی پناه می‌برد، که تنها راه رسیدن به حکم مسئله بود.

۷. تشویق نمودن ایشان اصحاب فضیلت ونظر را بر استفاده از موهبت‌های فکری وفطری، به هنگام استظهار احکام فقهی، وقرار دادن اصل متون ادله در جلوی آنها، به دور از نظر بزرگان اهل فن واعاظم فقها، تا این که مبادا جذب اقوال بزرگان ومنزلت رفیع آنها بشوند ودر برابر آن تسلیم شوند.

۸. مطرح کردن مطالب بحث ودرس، به صورت سلسله وار ومنظم، تا از اخلال در نظم آن دوری بجوید ومعانی آن هماهنگی کامل پیدا کند.

۹. برای این که درس، به علت مباحث طولانی، ملال آور نشود، در فرصتهای مناسب، با عبارات ملیح خود، لطیفه‌هایی می‌گفت.

۱۰. حضرت استاد، همواره بر فروع مباحث تذکر می‌دادند. مثلاً می‌فرمودند: در این حکم فرقی میان مرد و زن نیست. واگر فرقی بود، آن را بیان می‌فرمود، سپس نظر مستند خود را ارائه می‌داد.

### توصیه‌های اخلاقی در ضمن تدریس

در خلال بحث وتدریس، از حالات وخصال حمیده فقها وعلمای سخن به میان می‌آوردند، وبه یمن زهد وخلوص نیت، به ارشاد وموعظه می‌پرداختند، تا جلسات درس فقه واصول، از درس اخلاق بی‌بهره نماند.

می‌دادند. گاهی در ضمن توضیحات، با بیان دلنشین وبه مناسبت همان مطلب، مثالهای شیرینی می‌زدند.

۲. تدریس کفایة الاصول: اول در حدود دو یا سه سطر را از خارج، به زبان بسیار ساده وقابل فهم، بیان می‌داشتند، تا برای همه طلاب مطلب جا بیفتد، چراکه می‌خواست مفهوم عدل ومساوات را عینیت ببخشد. بعد از آن، مطالب همان قسمت را، جمله جمله می‌خواندند وتوضیح می‌دادند.

### روش تدریس مرحله استنباط

۱. ایشان متن کتاب شرایع الاسلام را می‌خواند، و با کلام فصیح وبلوغ، معانی متون را توضیح می‌داد، و با ادله، مراد درونی وپنهان آن را کشف می‌کرد. ویژگی برجسته استاد در مباحث علمی، قدرت فراوان او در تفهیم مطالب به همه شاگردان بود. ۲. برای استیفای هرچه بیشتر مفهوم واژه‌های مورد بحث، آنها را تجزیه وتحلیل می‌کرد و به اصول خود برمی‌گرداند.

۳. نقل اقوال فقیهان ونظر اصحاب فن ومشهورترین آنها در دو قسمت روایی وفتوایی، وهمچنین نقل اجماعهای مصطلح. سپس نظر ورأی خود را با دلیل وبرهان در باره مسئله مورد بحث ارائه می‌کردند.

۴. مطرح کردن ادله لفظیه از منابع تشریحی (قرآن، سنت، اجماع، عقل)، نه قیاسی ویا ابداعی؛ آن هم از طریق کاوش علمی ودقت فنی فراوان، با مطرح کردن کلیه موضوعات پیرامون مباحث واحکام آن، از نظر فقه، اصول، تفسیر، رجال، درایه، کلام، اخلاق وتاریخ. این امور، یک حقیقت را برای ما به اثبات می‌رساند، وآن این که حضرت استاد، در همه علوم مذکور، متبحر بود.

۵. اهتمام وافر برای حصول اطمینان از سند حدیث، تا بتواند صحیح ویا موثق ویا حسن بودن حدیث را مشخص سازد. سپس با تحقیق دلالتی، و هرآنچه از متن حدیث یا ظهور آن استفاده می‌شد، دنبال این بودند که آیا حکم، مطابق با واقع است ویا به مقتضای تقیه ارائه شده است. هرگاه خبر معارض پیدا می‌کرد، سعی می‌کرد بهترین بیان را برای وجه معارضه بیابد، و با بهترین روشها وموفقترین فنون با آن مقابله می‌کرد.